

به نام خدای مهربان

طراحی شده
ویژه امتحان
نهایی ۱۴۰۳

بانک سؤالات امتحان

پایه دهم

مجموعه کتاب‌های
پرسوال

فارسی ۱

با خیال راحت (۲۰) شو!

دکتر ابوالفضل غلامی

• برای دریافت آموزش
محتوای تکمیلی
این کد رو اسکن کن.



هومان

مهروماه

فهرست

ستایش: به نام کردگار

درس نامه	۶
سؤالات امتحانی	۹
پاسخ نامه	۲۴۴



درس ۱۰: دریا دلان صفشکن / یک گام، فراتر (گنج حکمت)

درس نامه	۱۰۹
سؤالات امتحانی	۱۱۵
پاسخ نامه	۲۶۲



درس اول: چشمه / پیرایه خرد (گنج حکمت)

درس نامه	۱۳
سؤالات امتحانی	۱۹
پاسخ نامه	۲۴۵



درس ۱۱: خاک آزادگان / شیرزنان ایران (روان خوانی)

درس نامه	۱۲۲
سؤالات امتحانی	۱۳۰
پاسخ نامه	۲۶۴



درس ۲: از آموختن، ننگ مدار / دیوار (روان خوانی)

درس نامه	۲۶
سؤالات امتحانی	۳۳
پاسخ نامه	۲۴۷



درس ۱۲: رستم و اشکبوس / عامل ورعیت (گنج حکمت)

درس نامه	۱۳۶
سؤالات امتحانی	۱۴۵
پاسخ نامه	۲۶۶



درس ۳: پاسداری از حقیقت / دیوار عدل (گنج حکمت)

درس نامه	۳۹
سؤالات امتحانی	۴۴
پاسخ نامه	۲۴۹



درس ۱۳: گردآفرید / دلیران و مردان... (شعرخوانی)

درس نامه	۱۵۲
سؤالات امتحانی	۱۶۱
پاسخ نامه	۲۶۹



درس ۵: بیداد ظالمان / همای رحمت (شعرخوانی)

درس نامه	۵۰
سؤالات امتحانی	۵۶
پاسخ نامه	۲۵۱



درس ۱۴: طوطی و بقال / ای رفیق! (گنج حکمت)

درس نامه	۱۶۹
سؤالات امتحانی	۱۷۵
پاسخ نامه	۲۷۱



درس ۶: مهر و وفا / حقه راز (گنج حکمت)

درس نامه	۶۲
سؤالات امتحانی	۶۷
پاسخ نامه	۲۵۴



درس ۱۶: خسرو / طراران (روان خوانی)

درس نامه	۱۸۱
سؤالات امتحانی	۱۸۹
پاسخ نامه	۲۷۴



درس ۷: جمال و کمال / بوی گل و ریحانها (شعرخوانی)

درس نامه	۷۲
سؤالات امتحانی	۷۷
پاسخ نامه	۲۵۶



درس ۱۷: سپیده دم / مزار شاعر (گنج حکمت)

درس نامه	۱۹۸
سؤالات امتحانی	۲۰۲
پاسخ نامه	۲۷۷



درس ۸: سفر به بصره / شبی در کاروان (گنج حکمت)

درس نامه	۸۴
سؤالات امتحانی	۹۰
پاسخ نامه	۲۵۸



درس ۱۸: عظمت نگاه / سه پرسش (روان خوانی)

درس نامه	۲۰۷
سؤالات امتحانی	۲۱۵
پاسخ نامه	۲۷۹



درس ۹: کلاس نقاشی / پیرمرد چشم... (روان خوانی)

درس نامه	۹۶
سؤالات امتحانی	۱۰۳
پاسخ نامه	۲۶۰



آزمون‌ها

۲۲۱

- آزمون‌های نوبت اول
- آزمون‌های نوبت دوم
- پاسخ‌ها

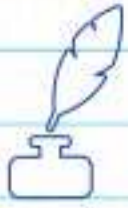
۲۲۲
۲۲۹
۲۸۱



بخش اول
درسنامه و سؤال



چشمه / پیرایه خرد (گنج حکمت)



واژه‌های اصلی

<ul style="list-style-type: none"> • نَمَط: روش، طریقه / زین نَمَط: بدین ترتیب • نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی. در متن درس، مقصود از «پردۀ نیلوفری»، آسمان لاجوردی است. • وَرطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری • هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی • یَله: رها، آزاد / یله دادن: تکیه‌دادن 	<ul style="list-style-type: none"> • شَکَن: پیچ و خم زلف • صورت شدن: به نظر آمدن، تصوّر شدن • غُلغله‌زن: شور و غوغا کنان • گُلَبُن: بوته یا درخت گل، به‌ویژه بوته گل سرخ • معرکه: میدان جنگ، جای نبرد • مکاید: جمع مکیدت، مکرها، حيله‌ها • میعاد: وعده، قرار / میعاد نهادن: قرار گذاشتن • نادره: بی‌همتا، شگفت‌آور 	<ul style="list-style-type: none"> • برازندگی: شایستگی، لیاقت • پیرایه: زیور و زینت • تیزپا: تندرو، تیزرو • جافی: ستمگر، ظالم • حازم: محتاط • خیره: سرگشته، حیران، فرومانده • دست‌بُرد: هجوم و حمله / دست‌بُرد دیدن: مورد حمله و هجوم قرار گرفتن
---	---	---

واژه‌های فرعی

<ul style="list-style-type: none"> • سهمگین: سهمگین، ترسناک • صواب: درست، مصلحت • فلک: آسمان • گریبان: یقه • مدهوش: حیران و سرگشته • همسری: برابری 	<ul style="list-style-type: none"> • چهره‌نما: خودنما • حامل: دربردارنده، حمل‌کننده • حزم: احتیاط • دمیدن: روییدن • راست: عیناً، درست • زهره: کیسه صغرا، زهره در: هولناک 	<ul style="list-style-type: none"> • آبگیر: برکه • بحر: دریا • بَر: نزد و پهلو • بُن: زیر • تفرّج: گشت‌وگذار • جادو: جادوگر
--	--	---

واژه‌های مهم املائی

<ul style="list-style-type: none"> • معرکه و میدان جنگ • نَمَط و روش • ورطه و مهلکه 	<ul style="list-style-type: none"> • غُلغله‌زن و غوغاکنان • لیاقت و شایستگی • مبدأ و آغاز • مدهوش و سرگشته 	<ul style="list-style-type: none"> • سهمگین و ترسناک • صواب و مصلحت • صورت و ظاهر • طبع و خصلت 	<ul style="list-style-type: none"> • حازم و محتاط • حامل و حمل‌کننده • حزم و احتیاط • زهره و جرئت
---	--	--	---

واژه‌های هم‌آوا

<ul style="list-style-type: none"> • غالب: پیروز / قالب: شکل و پیکر • قضا: تقدیر / غزا: جنگ / غذا: طعام • منسوب: نسبت داده شده، وابسته / منصوب: گماشته (به شغلی گماشته شده) 	<ul style="list-style-type: none"> • بحر: دریا / بهر: برای • حازم: محتاط / هاضم: هضم‌کننده / هازم: فراری‌دهنده دشمن • حزم: احتیاط / هزم: شکست دادن و فراری دادن دشمن / هضم: گوارش غذا • خواست: تمنا کرد، اراده کرد / خاست: بلند شد
---	--

ایستگاه دانش‌های ادبی

ادبیات تعلیمی - حس آمیزی - مجاز

① **ادبیات تعلیمی:** در فارسی هشتم با ادبیات تعلیمی یا اندرزی آشنا شدیم. در این نوع آثار، شاعر یا نویسنده قصد دارد تا موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز بازگو کند و برای این کار از داستان و حکایت در قالب نظم و نثر بهره می‌گیرد. اثر تعلیمی اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند. گاهی اوقات آثار تعلیمی با زبانی ادبی و تخیلی ارائه می‌شوند و آن مفاهیم را با جذابیت بیشتر ارائه می‌کنند. از این‌گونه آثار تعلیمی ادبی، بیشتر در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند. بسیاری از شاهکارهای ادبی ایران، مانند: قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان و مثنوی معنوی، و همین‌طور برخی آثار طنز، جنبه تعلیمی دارند.

۲ **حس آمیزی:** همان طور که از نام این آرایه مشخص است به آمیختن دو حس با یکدیگر حس آمیزی می‌گویند: مثلاً: سخن شیرین (شنوایی + چشایی)، شنیدن بو (شنوایی + بویایی)، حرف روشن (شنوایی + بینایی).

نکته: حس آمیزی فقط آمیختن دو حس با یکدیگر نیست: بلکه اگر یک حس را با یک «مفهوم» بیاموزیم، حس آمیزی پدید می‌آید. مثلاً «محبت» یک مفهوم است که نه دیدنی است، نه شنیدنی، نه بوییدنی، نه لمس‌کردنی، بنابراین متعلق به هیچ کدام یک از حواس پنجگانه نیست. اضافه کردن یک حس به «محبت» حس آمیزی می‌سازد: «بوی محبت». از دیگر نمونه‌های این نوع حس آمیزی: ایمان سبز، عقل سرخ، بوی حمله...

۳ **مجاز:** واژه‌ها یک معنی رایج دارند که وقتی آن‌ها را می‌شنویم آن معنی رایج و اولیه به ذهن می‌آید، به این معنی اولیه و رایج کلمات، معنای «حقیقی» می‌گویند. در اغلب موارد، در لغت‌نامه‌ها، اولین معنایی که برای یک واژه می‌نویسند، معنی حقیقی آن است. مثلاً واژه «نان» را در نظر بگیرید: اولین معنایی که از این واژه به ذهن می‌رسد «خوراکی است که با آرد گندم یا جو ساخته می‌شود»: بنابراین در جمله «به نانوايي رفتم و یک نان خریدم» «نان» در معنی حقیقی به کار رفته است. اما اگر واژه‌ای در معنی رایج و اولیه خود به کار نرود و گوینده یا شاعر یک معنی جدید به آن اضافه کند و آن را در معنی جدیدش به کار ببرد، به آن معنی مجازی می‌گویند. مثلاً در جمله «به سر کار رفت تا یک لقمه نان حلال کسب کند» «نان» در معنی مجازی «رزق و روزی و درآمد» به کار رفته: زیرا «رزق و روزی و درآمد» معنای اولیه و رایج نان نیست. چند نمونه شعری از مجاز:

«پیش دیوار، آنچه گویی هوش‌دار / تا نباشد در پس دیوار، گوش»

عجاز از انسان سخن چین و فصول

«ما را سر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی، تفریح آنجاست»

مجاز از قصد

«عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان، نرگس جادوی تو بود»

مجاز از چشم

مجاز از مردم عالم

نکته: در مثال آخر، «نرگس» به علت شباهتی که با چشم دارد در معنای مجازی چشم به کار رفته است. در درس پنجم می‌خوانیم که به این نوع مجاز، اصطلاحاً «استعاره» هم می‌گویند و اصلاً بهتر است که آن را به نام اختصاصی‌اش، یعنی «استعاره» بخوانیم.

ایستگاه دانش‌های زبانی

ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی

۱ **جمله:** در زبان فارسی به هر واحد زبانی که پیام انتقال دهد، جمله می‌گویند. بر اساس این تعریف، می‌توان جملات را به دو دسته فعل‌دار و بی‌فعل تقسیم کرد:

۱ **جمله فعل‌دار:** جملاتی که فعل دارند: مانند: امروز به مدرسه دیر رسیدم.

۲ **جمله بی‌فعل:** جملاتی که فعل ندارند: مانند: خدا حافظ، ساکت! آه... (اگر دقت کنید این موارد هم با این که فعل ندارند، چون پیام انتقال می‌دهند جمله هستند.)

۲ **ترتیب اجزای جمله فعل‌دار:** در زبان فارسی و در جملات فعل‌دار، آخرین عضو جمله، فعل است: یعنی فعل در حالت عادی و ساده باید در آخر جمله قرار بگیرد. نهاد نیز در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. سایر اجزای جمله، مانند: متمم، مفعول و مسند بین نهاد و فعل قرار می‌گیرند: پس ترتیب عادی جمله بدین شکل است: (نهاد) + سایر اجزای جمله + فعل: مريم، مهندس را در شرکتش استخدام کرد.

نهاد مفعول متمم فعل

چشمه

■ **نگاه کلی:** «چشمه» شعری در قالب مثنوی، اثر شاعر معاصر، نیما یوشیج و از نمونه‌های ادبیات تعلیمی است. شاعر در این شعر نمادین قصد دارد در قالب یک داستان، عواقب خودپسندی و غرور را به مخاطب خود گوشزد کند. چشمه‌ای خروشان و خودستا - که نماد انسان‌های کوچک و مقرر است - طی مسیر می‌کند و در نهایت وقتی به دریای با عظمتی - که نماد انسان‌های با عظمت و آرام است - می‌رسد کوچکی و حقارت خود را در برابر او حس می‌کند. این درس از نظر آرایه‌های ادبی، مخصوصاً دو آرایه مجاز و حس آمیزی از سایر مباحث سؤال خیزتر است.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله زن، چهره نما، تیزپا

■ **واژه‌نامه:** غلغله زن: شور و غوغا کنان / تیزپا: تندرو، تیزرو

■ **معنی:** چشمه‌ای، با شور و سروصدا، در حال خودنمایی و شتابان از سنگی جدا شد.

■ **مفهوم:** خودنمایی و غرور / توصیف چشمه و جلوه‌گری‌های آن

■ **قلمرو ادبی:** شعر در قالب مثنوی سروده شده است. / نماد: چشمه ← انسان‌های خودشیفته و مغرور / تشخیص: غلغله زنی، چهره‌نمایی و تیزپایی چشمه تشخیص دارد (چشمه در سراسر این شعر تشخیص ساخته است). / کنایه: چهره‌نما ← خودنما، خودشیفته - تیزپا ← شتابان

■ **قلمرو زبانی:** ترتیب اجزای جمله مطابق زبان معیار: یکی چشمه، غلغله زن، چهره‌نما، تیزپا از سنگی جدا گشت. / «گشت» در این بیت به معنی «شد» و اسنادی است و «جدا» مسند است.

گه به دهان بر زده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

■ **معنی:** چشمه گاهی کفی همچون صدف (سفید) بر دهان داشت و گاهی مانند تیری که به سمت هدف می‌رود، به پیش می‌رفت.

■ **مفهوم:** حرکت و جنبش

■ **قلمرو ادبی:** تشبیه: چشمه به صدف (وجه شبه: سفیدی) - چشمه به تیر (وجه شبه: حرکت و سرعت) / تشخیص: دهان داشتن چشمه / مراعات نظیر: تیر و هدف / جناس: صدف و هدف (ناقص)

■ **قلمرو زبانی:** «صدف» و «تیر» متمم هستند، زیرا «چون» و «چو» حرف اضافه‌اند.

■ **فراتر از قلمرو** در درس ستایش خواندیم اسمی که بعد از حرف اضافه بیاید «مُتَمِّم» است. یکی از انواع پر کاربرد حروف اضافه «ادات تشبیه» هستند. «ادات تشبیه» اصطلاحی است مربوط به علم آرایه‌های ادبی، اما همین ادات تشبیه وقتی وارد علم دستور زبان می‌شود نامش «حروف اضافه» است. پس واژه‌های «همچون»، «همچو»، «چون»، «چو»، «مثل»، «به مانند»، «مانند»، «بسان»، «به کردار» از نظر علم آرایه‌های ادبی «ادات تشبیه» هستند اما از نظر علم دستور زبان «حروف اضافه» محسوب می‌شوند: **چو تیری که رود بر هدف**

ادات تشبیه متبوعه
حرف اضافه متمم

گفت، درین معرکه یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم

■ **واژه‌نامه:** معرکه: میدان جنگ، جای نبرد / گلبن: بوته یا درخت گل، به‌ویژه بوته گل سرخ

■ **معنی:** چشمه گفت: من یگانه عالم طبیعت هستم و باعث فخر و عزت گل و دشت هستم.

■ **مفهوم:** خودستایی و غرور

■ **قلمرو ادبی:** مجاز (استعاره): «معرکه ← عالم طبیعت / تشبیه: من [مانند] تاج هستم» / تشخیص: سر داشتن گلبن و صحرا / کنایه: تاج سر کسی بودن ← باعث و مایه افتخار و عزت کسی بودن / مراعات نظیر: گلبن و صحرا - تاج و سر

■ **قلمرو زبانی:** «-م» در «منم» در هر دو مصراع ضمیر نیست بلکه مخفف فعل «هستم» است و بنابراین «یکتا» و «تاج» مسند هستند.

چون بدوم، سبزه در آغوش من بوسه زند پر سر و پر دوش من

■ **معنی:** وقتی به سرعت جاری می‌شوم، سبزه در آغوش من، سر و دوش مرا غرق بوسه می‌کند و به من ابراز محبت می‌کند.

■ **مفهوم:** خودستایی

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: دویدن، آغوش داشتن و سر و دوش داشتن چشمه - بوسه زدن سبزه / مراعات نظیر: آغوش، سر و دوش / جناس: پر و سر و در (ناقص) / مجاز: سر و گوش ← کل وجود

■ **قلمرو زبانی:** سبزه بوسه زند / شکل مرتب جمله دوم: سبزه در آغوش من بر سر و بر دوش من بوسه زند
نهاد مفعول

چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

■ **واژه‌نامه:** شکن: پیچ و خم زلف

■ **معنی:** وقتی آرام و بدون موج هستم، ماه چهره خود را در وجود زلال و صاف من می‌بیند.

■ **مفهوم:** خودستایی

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: سر و مو داشتن چشمه - رخ داشتن و دیدن ماه / مراعات نظیر: سر، مو و رخ / کنایه: از مو شکن باز کردن ← جلوه کردن (در اینجا: زلال و بدون موج بودن)

■ **قلمرو زبانی:** صورت مرتب بیت: چون ز سر مو شکن بگشایم، ماه رخ خود را به من ببیند / «به» در مصراع دوم به معنی «به‌واسطه» است.

قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک

در بر من ره چو به پایان برد از خجلی سر به گریبان برد

■ **معنی:** قطره باران که بر زمین می‌افتد، از آن گل‌های زیبا و درخشانی می‌روید، همین قطره ارزشمند، وقتی در پایان مسیروش به من می‌رسد از شدت خجالت خود را پنهان می‌کند.

■ **مفهوم:** خودستایی

■ **قلمرو ادبی:** این دو بیت موقوف‌المعانی هستند / مجاز (استعاره): گهر ← گل‌ها / تشخیص: خجل شدن قطره باران و آغوش داشتن چشمه / جناس: در، بر و سر (ناقص) / کنایه: سر به گریبان فرو بردن ← پنهان شدن

■ **قلمرو زبانی:** قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک
نهاد متمم قید نهاد

■ **فراتر از قلمرو** «موقوف‌المعانی» بودن دو بیت یعنی اینکه دو بیت را باید با هم خواند و با هم معنی کرد. وقتی دو بیت موقوف‌المعانی هستند، توقف و مکث بعد از بیت اول ممکن نیست و مخاطب منتظر بقیه ماجرا می‌ماند. یادتان باشد «موقوف‌المعانی» بودن دو بیت، «آرایه» محسوب نمی‌شود، فقط نوعی شیوه بیان است که شاعر وقتی نمی‌تواند سخنش را در یک بیت جمع‌وجور کند، آن را در دو بیت بازگو می‌کند.

۱- در فارسی هشتم با «جناس» آشنا شدیم، در درس چهاردهم همین کتاب با انواع جناس و نام‌های مختلف آن از جمله «جناس ناقص» بیشتر آشنا خواهیم شد.
۲- با این نوع مجاز که به آن «استعاره» هم می‌گویند در درس پنجم بیشتر آشنا می‌شوید.

۱۱۱ ابر ز من، حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد

■ **معنی:** ابر به واسطه من دارای باران شد و گل و گیاهان رنگین باغ نیز به واسطه من پدید آمده‌اند.

■ **مفهوم:** خودستایی و غرور

■ **قلمرو ادبی:** مجاز (استعاره): سرمایه ← باران - پیرایه ← گل و گیاه / تشخیص: سرمایه داشتن ابر و پیرایه داشتن باغ / موازنه: کلمات دو مصراع به تقارن با هم سجع دارند (ویژه بچه‌های علوم انسانی).

■ **قلمرو زبانی:** هر دو جمله این بیت مرتب هستند و نیاز به جابه‌جایی ندارند. / «شد» در هر دو مصراع اسنادی است و «حامل» و «صاحب» مسند هستند.

■ **فراتر از قلمرو:** در نقش دستوری یا باید کل گروه را به‌عنوان نقش معرفی کنیم یا اگر قرار است یک کلمه را به‌عنوان نقش بیان کنیم، فقط باید «هسته گروه» را معرفی کنیم. مثلاً در جمله «ابر، حامل سرمایه شد» یا باید بگوییم «حامل سرمایه» مسند است یا باید بگوییم «حامل» - که هسته است - مسند است. «سرمایه» به تنهایی مسند نیست و همان‌طور که در فارسی هشتم خواندیم و در درس سوم همین کتاب هم می‌خوانیم «سرمایه» در «حامل سرمایه» وابسته پسین است نه مسند. به این قانون اصطلاحاً قانون همه یا هسته می‌گوییم: یا همه گروه یا هسته گروه!

۱۱۲ گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

■ **واژه‌نامه:** برازندگی: شایستگی، لیاقت

■ **معنی:** گل با همه رنگارنگی و شایستگی‌اش در اثر نور عنایت من زنده است و زندگی می‌کند.

■ **مفهوم:** خودستایی

■ **قلمرو ادبی:** مجاز (استعاره) ← پرتو ← لطف و عنایت / تشخیص: زندگی کردن گل / واج‌آرایی: تکرار صامت «گ»

■ **قلمرو زبانی:** صورت مرتب بیت: گل به همه رنگ و برازندگی از پرتو من زندگی می‌کند.

نهاد

۱۱۳ در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

■ **واژه‌نامه:** نیلوفری: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی: در این بیت، مقصود از «پرده نیلوفری»، آسمان لاجوردی است.

■ **معنی:** در زیر این آسمان لاجوردی، هیچ‌کس نمی‌تواند با من ادعای برابری و همانندی کند.

■ **قلمرو ادبی:** مجاز (استعاره) ← پرده ← آسمان / پرسش انکاری: کیست کند با چو منی همسری ← هیچ‌کس نمی‌تواند با من همسری و برابری کند.

■ **قلمرو زبانی:** صورت مرتب بیت: در بن این پرده نیلوفری کیست که با چو منی همسری کند. / «است» غیراسنادی است و «کی» نهاد است.

متمم فعل

■ **فراتر از قلمرو:** گاهی اوقات نهاد یا مسند به‌صورت «کی» و «چی» به فعل می‌چسبند:

او کیست؟ / آن چیست؟ / کیست که با من همسری کند؟ («است» در این مصراع غیراسنادی است).

نهاد مسند نهاد

۱۱۴ زین نَمَط آن مست شده از غرور دید یکی بحر خروشنده‌ای

رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور، سهمگنی، نادره جوشنده‌ای

■ **واژه‌نامه:** نادره: بی‌همتا، شگفت‌آور / نَمَط: روش، طریقه: زین نَمَط: بدین ترتیب

■ **معنی:** آن چشمه سرمست از غرور بدین شکل رفت و وقتی کمی از سرچشمه‌اش دور شد، دریایی خروشان و مواج دید که بسیار ترسناک و به‌شکل شگفت‌آوری متلاطم بود.

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: مستی و غرور چشمه - خروشنده بودن بحر / کنایه: مست شدن از غرور ← به نهایت غرور و تکبر رسیدن / دو بیت، موقوف‌المعانی هستند.

■ **قلمرو زبانی:** صورت مرتب شده بیت اول: آن مست شده از غرور، زین نَمَط رفت و چو کمی از مبدأ دور گشت...

نهاد متمم مسند

۱۱۵ نعره برآورده، فلک کرده گر دیده سیه کرده، شده زهره‌در

■ **معنی:** دید که دریا چنان فریادی می‌زند که گوش فلک را کر کرده و مایه ترس و وحشت شده بود.

■ **مفهوم:** هولناکی دریا

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: نعره زدن دریا - کر شدن فلک / اغراق: گوش فلک را کر کردن / کنایه: دیده سیه کردن و زهره‌در شدن ← بسیار ترسناک شدن /

نماد: دریا ← عظمت و بزرگی

■ **قلمرو زبانی:** صورت مرتب شده بیت: [دریا] نعره برآورده، فلک را کر کرده، دیده را سیه کرده و زهره‌در شده.

مفعول مفعول مسند

۱۱۶ راست به‌مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله

■ **واژه‌نامه:** یله: رها، آزاد: یله دادن: تکیه دادن

■ **معنی:** دریا عیناً مانند زمین‌لرزه‌ای بود و به ساحل لم داده بود.

■ **مفهوم:** عظمت و ترسناکی دریا

■ **قلمرو ادبی:** تشبیه: [دریا] مانند زلزله بود. / تشخیص: تن داشتن و یله دادن دریا - تن داشتن ساحل

■ **قلمرو زبانی:** «راست» به معنی «دقیقاً» و «عیناً» قید است. / «یکی زلزله» متمم است زیرا «به‌مانند» حرف اضافه است. / فعل جمله «یله داده» است و ماضی بعید است که «بود» از انتهای آن حذف شده: یله داده بود.

۱ - پرسش انکاری، آرایه نیست فقط نوعی خاص از بیان کردن پرسش است.

چشمه کوچک چو به آنجا رسید / **وان همه هنگامه دریا بدید**
خواست کزان ورطه، قدم در کشد / **خویشتن از حادثه برتر کشد**

■ **واژه‌نامک:** هنگامه: غوغا، دادو فریاد، شلوغی / ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری

■ **معنی:** وقتی آن چشمه کوچک به دریا رسید و آن غوغا و هیاهوی دریا را دید، خواست از آن مهلکه دوری کند و خود را از آن حادثه (مواجهه با دریا) نجات دهد.

■ **مفهوم:** عظمت و بزرگی دریا و حقارت چشمه

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: رسیدن و دیدن و قدم داشتن چشمه / تضاد: چشمه و دریا (تضاد مفهومی) / واج آرایشی: تکرار صامت «چ» / کنایه: قدم در کشیدن ← دوری کردن / دو بیت موقوف‌المعانی هستند.

■ **قلمرو زبانی:** هر دو بیت مرتب هستند و نیاز به هیچ جابه‌جایی ندارند. «هنگامه» و «خویشتن» مفعول هستند.

لیک چنان خیره و خاموش ماند / **کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند**

■ **واژه‌نامک:** خیره: سرگشته، حیران، فرومانده

■ **معنی:** ولیکن چشمه چنان مات‌ومبہوت و ساکت شد که با همه شیرین‌زبانی، زبانش بند آمد و به صدای دریا گوش می‌داد.

■ **مفهوم:** سکوت ناشی از حیرت و مبہوت شدن

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: خیره ماندن و خاموش ماندن و شیرین‌سخن بودن و گوش داشتن چشمه / حس آمیزی: شیرین‌سخنی (چشایی + شنوایی) /

کنایه: شیرین‌سخنی ← خوش‌صحبتی - گوش ماندن ← سراپا شنونده شدن

■ **قلمرو زبانی:** هر دو جمله این بیت مرتب است. / «ماند» در این بیت فعل اسنادی است و «خیره» و «گوش» مسند هستند.

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

۱. معنای واژه‌های مشخص‌شده را با معادل امروزی آن‌ها مقایسه کنید.

• «در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟»
 راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله»

پاسخ: «همسری» امروزه به معنی زوجیت و زن و شوهر بودن به کار می‌رود، اما در این بیت به معنی «برابری» و «هماندی» به کار رفته است. «راست» در این بیت به معنی «درست» و «عیناً» به کار رفته، اما امروزه متضاد دروغ است و نیز به معنی صاف و مستقیم هم به کار می‌رود.

۲. بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید.

• «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا»

پاسخ: یکی چشمه، غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا از سنگی جدا گشت.

قلمرو ادبی

۱. هر یک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

• «چون بگشایم ز سرموشکن ماه ببیند رخ خود را به من
 گه به دهان بر زده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف»

پاسخ: بیت اول: تشخیص: سر و مو داشتن چشمه - رخ داشتن و دیدن ماه / مراعات‌نظیر: سر، مو و رخ / کنایه: از مو شکن باز کردن ← جلوه کردن (در اینجا: زلال و بدون موج شدن)

بیت دوم: تشبیه: چشمه به صدف - چشمه به تیر / تشخیص: دهان داشتن چشمه / مراعات‌نظیر: تیر و هدف / جناس: صدف و هدف

۲. با توجه به شعر نیما «چشمه» نماد چه کسانی است؟

پاسخ: انسان‌های خودپسند و مغرور

۳. آمیختن دو یا چند حس یا یک حس با پدیده‌ای ذهنی (انتزاعی)، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند.

نمونه: حرف‌هایم مثل یک تکه چمن روشن بود.

در این نمونه، سپهری از «روشن بودن حرف» سخن گفته است. روشن بودن امری دیدنی و «حرف» شنیدنی است شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است.

• نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.

پاسخ: کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند (چشایی + شنوایی)

۴. هر واژه امکان دارد در معنای حقیقی یا معنای غیرحقیقی به کار رود. به معنای حقیقی واژه، «حقیقت» و به معنای غیر حقیقی آن «مجاز» می‌گویند. «حقیقت»، اولین و رایج‌ترین معنایی است که از یک واژه به ذهن می‌رسد. «مجاز» به کار رفتن واژه‌ای است در معنی غیرحقیقی؛ به شرط آنکه میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی واژه، ارتباط و پیوندی برقرار باشد:

مثال: «پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش» (سعدی)
همان طور که می‌دانید گوش اندام شنوایی است و در این معنا حقیقت است و نمی‌تواند در پس دیوار بیاید؛ شاعر در این بیت به مفهوم مجازی «گوش» یعنی «انسان سخن‌چین» تأکید دارد. اکنون به دو بیت زیر توجه نمایید:

«ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرج آن جاست» (سعدی)
«عالم از شور و شر عشق خیر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود» (حافظ)
در بیت اول، واژه «سر» در مفهوم مجازی «قصده» و «اندیشه» به کار رفته است. «سر» محل و جایگاه «اندیشه» است. در بیت دوم مقصود شاعر از واژه «نرگس»، معنایی غیرحقیقی یعنی «چشم» است. آنچه که «گل نرگس» و «چشم» را به هم می‌پیوندد و اجازه می‌دهد تا یکی به جای دیگری به کار رود «شبهات» میان آن دو است.

• در شعر این درس دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم هر یک را بنویسید.

پاسخ: «در بُنی این پُرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری
مجازاً آسمان

قطره باران که درافتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک
مجازاً گل

قلمرو فکری

۱. پس از رسیدن به دریا چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟

پاسخ: به کوچکی خود پی بُرد و دست از غرور برداشت و محو تماشای عظمت دریا شد.

۲. معنی و مفهوم بیت زیر را به تشریح روان بنویسید.

• «نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره‌ذر»

پاسخ: دریا چنان فریادی می‌زد که گوش فلک را کر کرده و مایه ترس و وحشت شده بود.

۳. سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.

• «یکی قطره باران ز ابری چکید خجل شد چو پهنای دریا بدید»

■ **معنی:** قطره بارانی از ابر چکید و وقتی عظمت و پهنای دریا را دید، شرمند شد.

■ **مفهوم:** تواضع و فروتنی با دیدن عظمت دیگران

■ **قلمرو ادبی:** مراعات نظیر: باران و ابر / تضاد: قطره و دریا / تشخیص: خجل شدن دریا

• «که جایی که دریاست من کیستم؟ گر او هست حقاً که من نیستم»

■ **معنی:** قطره گفت: در جایی که دریا حضور دارد من که باشم؟ اگر او وجود دارد، پس من حقیقتاً وجود ندارم!

■ **مفهوم:** تواضع و فروتنی با دیدن عظمت دیگران

■ **قلمرو ادبی:** تضاد: هست و نیست / جناس: کیستم و نیستم / پرسش انکاری: من کیستم ← من کسی نیستم.

• «چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید»

■ **معنی:** وقتی قطره باران خود را کوچک و حقیر پنداشت، صدف او را با تمام وجودش در کنار خود پرورش داد.

■ **مفهوم:** فواید فروتنی / فروتنی باعث عزت است.

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: پرورش دادن صدف / واج‌آرایی: تکرار صامت «ر» / کنایه: به جان پروریدن ← با تمام وجود پرورش دادن

■ **قلمرو زبانی:** «چشم حقارت» اضافه اقترانی است. ضمیر «ش» مفعول است: صدف او را به جان پرورید.

• «بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شمس»

■ **معنی:** قطره به این دلیل به مقام والا دست یافت که خود را کوچک شمرد، به سمت نیستی و کوچکی رفت تا بزرگ و با وجود شد.

■ **مفهوم:** فواید فروتنی / فروتنی باعث والامقامی و عزت است.

■ **قلمرو ادبی:** جناس: پست و هست (ناقص) / تضاد: نیستی و هست / استعاره (مکنیه): در نیستی (اضافه استعاری) / کنایه: در نیستی را کوفتن ← تواضع کردن

پاسخ: در شعر نیما، چشمه نماد انسان‌های معرور بود که سرانجام با دیدن عظمت دریا ناچار شد تکبر خود را کنار بگذارد. اما در شعر سعدی، قطره نماد

انسان‌های فروتنی است که با فروتنی خود به جایگاه ارزشمندی دست می‌یابند.

۴. دوست دارید جای کدام یک از شخصیت‌های شعر نیما (چشمه دریا) باشید؟ برای انتخاب خود دلیل بیاورید.

پاسخ: (پاسخ این سؤال کار خودتان است، دست‌به‌کار شوید!)

۱- در درس پنجم با انواع «استعاره» و نیز «اضافه استعاری» آشنا خواهیم شد.

گنج حکمت پیرایه خرد

در آگیری سه ماهی بود دو، حازم یکی عاجز. از قضا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و با یکدیگر میعاد نهادند که دام بیارند و هر سه را بگیرند.

■ **واژه‌نامه:** حازم: محتاط / میعاد: وعده، قرار؛ میعاد نهادن: قرار گذاشتن

■ **قلمرو زبانی:** «بود» غیراسنادی است: سه ماهی بود (= وجود داشت)

ماهیان این سخن بشنودند، آنکه حزم زیادت داشت و بارها دست‌برد زمانه جافی را دیده بود سبک روی به کار آورد و از آن جانب که آب در می‌آمد بر فور بیرون رفت. در این میان، صیادان برسیدند و هر دو جانب آگیر محکم بیستند.

■ **واژه‌نامه:** دست‌برد: هجوم و حمله، دست‌برد دیدن: مورد حمله و هجوم قرار گرفتن / جافی: ستمگر، ظالم

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: دست برد داشتن و جفاکاری زمانه / کنایه: دست برد دیدن ← مورد حمله و هجوم واقع شدن - روی به کار آوردن ← مشغول شدن به انجام کاری

■ **قلمرو زبانی:** «بارها»، «سبک» و «برفور» همگی قید هستند.

دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی‌بهره نبود، با خود گفت، «غفلت کردم و فرجام کار غافلان چنین باشد و اکنون وقت حیلست است. هر چند تدبیر در هنگام بلا، فایده بیشتر ندهد، با این همه، عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن، تأخیر، صواب نبیند، وقت ثبات مردان و روز فکر خردمندان است.»

■ **واژه‌نامه:** پیرایه: زیور و زینت / مکاید: جمع مکیدت، مکرها، حيله‌ها

■ **قلمرو ادبی:** تشبیه: پیرایه خرد (اضافه تشبیهی) / سجع: هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن، تأخیر، صواب نبیند / اشتقاق: غفلت و غافلان (ویژه بجه‌های علوم انسانی)

پس خویشتن مرده کرد و بر روی آب می‌رفت. صیاد او را برداشت و چون صورت شد که مرده است، بینداخت. به حیلست خویشتن در جوی افکند و جان به سلامت برد.

■ **واژه‌نامه:** صورت شدن: به نظر آمدن، تصوّر شدن

■ **قلمرو ادبی:** کنایه: جان به سلامت بردن ← نجات یافتن

و آنکه غفلت بر احوال وی غالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش و پای‌کشان، چپ و راست می‌رفت و در فراز و نشیب می‌دوید تا گرفتار شد.

■ **قلمرو ادبی:** سجع: آنکه غفلت بر احوال وی غالب و عجز در افعال وی ظاهر بود / کنایه: پای‌کشان ← با حالت عجز و درماندگی / مجاز: فراز و نشیب و چپ و راست ← هر طرف

■ **تاریخ ادبیات** ۱ «علی اسفندیاری» نام اصلی نیما یوشیج، شاعر معاصر است. شعر چشمه از آثار اوست که در قالب مثنوی سروده شده است.

۲ «کلیله و دمنه» اثری است منثور و از زبان حیوانات که نصرالله منشی آن را به نثر فارسی ترجمه کرده است. اصل این کتاب به زبان هندی بوده است.

سؤالات امتحانی

قلمرو زبانی

الف لغت

۴۹. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(هماهنگ کشوری، خرداد ۱۴۰۲)

الف) در آگیری سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز

ب) گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

۵۰. «همسری» در بیت «در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟» به چه معنی است؟

الف) زوجیت ب) برابری ج) همدلی د) همدمی

۵۱. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) زین نمط آن مست شده از فرور ب) فلغله‌زن، چهره‌تما، تیزپا

۵۲. معنی درست واژه مشخص شده را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) تاج سر گلبن و صحرا منم (گلشن - گل سرخ) ب) لیک چنان خیره و خاموش ماند (حیران - بیهوده)

۱- اگر بگویم گنج حکمت «پیرایه خرد» از متن درس «چشمه» از نظر امتحانی بسیار مهم‌تر است. اغراق نکرده‌ام.

۲- با این آرایه در درس هفتم همین کتاب کاملاً آشنا خواهیم شد.

۵۳. معنی درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.
الف) هائل در دفع مکاید دشمن، تأخیر صواب تبیند. (حیله‌ها - حمله‌ها)
ب) آنکه حزم زیادت داشت و بارها دست‌برد زمانه جافی را دیده بود. (دزدی - هجوم)
۵۴. واژه «ورطه» در بیت «خواست کزان ورطه قدم در کشد / خویشتن از حادثه برتر کشد» به کدام معنی مورد قبول نیست؟
 الف) گودال ب) گرداب ج) گرفتاری د) دریا
۵۵. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
الف) چون بگشایم ز سر مو شکن
ب) در بن این پرده نیلوفری
۵۶. از ستون دوم معنی مناسب را برای واژه‌های ستون اول انتخاب کنید.

الف) حزم	<input type="radio"/>	به نظر آمدن
ب) صورت شدن	<input type="radio"/>	رویدن
ج) یله دادن	<input type="radio"/>	احتیاط
د) دمیدن	<input type="radio"/>	تکیه دادن

۵۷. درست یا غلط بودن معنی واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید.
الف) دیگری هم که از پیرایه خرد و ذخیرت تجربت بی بهره نبود... (اتبار)
ب) دید یکی بحر خروشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای (شگفت آور)
۵۸. معادل واژگانی «آسمان، قرار، جای نبرد، ستمگر» را از میان واژگان زیر انتخاب کنید (دو واژه اضافه است).
(چهره‌تما - معرکه - فلک - جافی - مکیدت - میعاد)

ب) املا

(هماهنگ کشوری - خرداد ۱۴۰۲)

۵۹. املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.
«هاقل در دفع مکاید دشمن تأخیر (ثواب - صواب) تبیند.»
۶۰. غلط‌های املايي بیت زیر را اصلاح کنید.
«زین نمت آن مست‌شده از فرور رفت و ز مبدع چو کمی گشت دور...»
۶۱. با توجه به معنی، شکل درست املايي هر واژه را انتخاب کنید.
الف) شلوقی (قلقله - قلقله)
ب) گودال (ورطه - ورته)
۶۲. املاي درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.
الف) دید یکی (بهر - بحر) خروشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای
ب) (خواست - خاست) کزان ورطه، قدم در کشد خویشتن از حادثه برتر کشد
۶۳. در هر کدام از موارد زیر یک خطای املايي وجود دارد، آن را بیابید و درست آن را بنویسید.
الف) گل به همه رنگ و برازنده‌گی می‌کند از پرتو من زندگی
ب) آنکه غفلت بر احوال وی قالب و عجز در افعال وی ظاهر بود، حیران و سرگردان و مدهوش و پای‌کشان، چپ و راست می‌رفت.
۶۴. در هر کدام از عبارات زیر یک خطای املايي وجود دارد، آن را بیابید و درست آن را بنویسید.
الف) ماهیان این سخن بشنودند؛ آنکه هزم زیادت داشت و بارها دست‌برد زمانه جافی را دیده بود سَبک روی به کار آورد.
ب) در آگیری سه ماهی بود، دو حازم یکی عاجز، از غذا، روزی دو صیاد بر آن گذشتند و با یکدیگر میعاد نهادند که دام بیارند و هر سه را بگیرند.
۶۵. در میان گروه واژه‌های زیر سه خطای املايي وجود دارد، درست آن‌ها را بنویسید.
(هامل سرمایه - چشم حقارت - مدحوش و پای‌کشان - طبع و خصلت - حیران و سرگشته - هنگامه و فوق - زهره در و مهیب - منسوب و وابسته - پرده نیلوفری)

ج) دانش‌های زبانی

۶۶. بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید.
«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا قلقله‌زن، چهره‌نما، تیزپا»
۶۷. بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی مرتب کنید.
«گل به همه رنگ و برازنده‌گی می‌کند از پرتو من زندگی»

۶۸. اجزای یکی از جملات کدام بیت مرتب نیست؟ آن را مرتب کنید.

- الف) بزرگی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد
 ب) چشمه کوچک چو به آنجا رسید وان همه هنگامه دریا بدید
 ج) چون بدوم سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر گوش من

۶۹. اگر مصراع زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله مرتب کنیم، اولین گروه کدام است؟

«زو بدمد بس گهر تابناک»

۷۰. اگر بخواهیم بیت «عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود» را بر اساس ترتیب اجزای جمله مرتب کنیم، کدام گروه جا به جا می‌شود؟

- الف) خبر ب) نرگس جادوی تو ج) شور و شر عشق

۷۱. در بیت زیر کدام گروه اسمی نقش «مفعولی» دارد؟

- «چشمه کوچک چو به آنجا رسید وان همه هنگامه دریا بدید»
 ۷۲. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ابر ز من حامل سرمایه شد ب) کیست کند با چو منی همسری

۷۳. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) تاج سر گلبن و صحرا منم ب) چون بدوم سبزه در آغوش من

۷۴. نقش دستوری مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) دید یکی بحر خروشنده‌ای (صفت - مفعول) ب) خواست کزان ورطه قدم در کشد (مفعول - متمم)

۷۵. نقش دستوری مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) خویشتن از حادثه برتر کشد (مفعول - نهاد)

ب) رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور (قید - مسند)

۷۶. تفاوت معنایی «را» در بیت‌های زیر چیست؟

الف) ما را سر باغ و بوستان نیست ب) هر جا که تویی تفرج آنجاست

ب) چون بگشایم ز سر مو شکن ماه ببیند رخ خود را به من

۷۷. از ستون دوم نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را انتخاب کنید.

الف) راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل یله نهاد

ب) ماهیان این سخن بشنیدند.

ج) پشت دیوار آنچه گویی هوش دار تا نباشد در پس دیوار، گوش مفعول

د) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت فتنه‌انگیز جهان نرگس گیسوی تو بود قید صفت

۷۸. نقش دستوری کلمه مشخص شده در «که جایی که دریاست من کیستم / گر او هست حقا که من نیستم» در کدام بیت تکرار شده؟ آن واژه را مشخص کنید.

الف) زین نمط آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

ب) بلندی از آن یافت کاو پست شد در نیستی کوفت تا هست شد

۷۹. در بیت زیر چند مفعول به کار رفته است؟

«نعره برآورده فلک کرده کر دیده سیه کرده شده زهره‌در»

۸۰. در بیت «که جایی که دریاست من کیستم / گر او هست حقا که من نیستم» یک «فعل اسنادی» بیابید.

۸۱. در بیت «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / خلقله‌زن، چهره‌نما، تیزپا» کدام نقش دستوری سه بار تکرار شده است؟

۸۲. نهاد فعل «رفت» در «زین نمط آن مست شده از غرور / رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور» کدام گزینه است؟

- الف) مست شده ب) آن ج) نمط د) غرور

۸۳. با توجه به دو بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«گل به همه رنگ و برزندگی می‌کند از پرتو من زندگی

در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری»

الف) در بیت اول فعل را مشخص کنید.

ب) کلمه «پرده» در بیت دوم چند صفت گرفته است؟

ب دانش‌های ادبی و تاریخ ادبیات

۱۰۰. نام شاعری «علی اسفندیاری» چیست؟
 ۱۰۱. بیت زیر از شاعر معاصر معروف به «نیما یوشیج» است.
 «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / قلقله زن، چهره تمنا، تیزپا»
 ۱۰۲. «نصرالله منشی» مترجم کدام اثر در حوزه ادب تعلیمی است؟
 ۱۰۳. جای خالی را با واژه مناسب پر کنید.
 «به آثاری که نویسندگان یا شاعر خواسته است موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی را به شیوه اندرز در قالب شعر یا داستان و حکایت، بیان کند ادبیات می‌گویند.»

۱۰۴. بیشتر از کدام نوع ادبی در کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان بهره می‌گیرند؟

۱۰۵. کدام یک از آثار زیر از مصادیق ادب تعلیمی نیست؟

- الف) بوستان ب) غزلیات شمس ج) قابوس‌نامه د) کلیله و دمنه

قلمرو فکری

الف نثر روان

۱۰۶. ابیات زیر را به نثر روان معنی کنید.
 الف) در بر من ره چو به پایان برد
 ب) در بن این پرده نیلوفری
 ۱۰۷. ابیات زیر را به نثر روان معنی کنید.
 الف) ابر ز من، حامل سرمایه شد
 ب) چون بگشایم ز سر مو، شکن
 ۱۰۸. ابیات زیر را به نثر روان امروزی برگردانید.
 الف) راست به مانند یکی زلزله
 ب) خواست کزان ورطه قدم در کشد
 ۱۰۹. ابیات زیر را به نثر روان معنی کنید.
 الف) چو خود را به چشم حقارت بدید
 ب) بلندی از آن یافت کاو پست شد

- از خجلی سر به گریبان برد
 کیست کند با چومنی همسری؟
 باغ ز من صاحب پیرایه شد
 ماه ببیند رخ خود را به من
 داده تنش بر تن ساحل، یله
 خویشتن از حادثه برتر کشد
 صدق در کنارش به جان پرورید
 در نیستی کوفت تا هست شد

ب درک مطلب

۱۱۰. مفهوم کنایه مشخص شده را بنویسید.
 «در بر من ره چو به پایان برد / از خجلی سر به گریبان برد»
 ۱۱۱. با توجه به شعر نیما یوشیج، «چشمه» نماد چه کسانی است؟
 ۱۱۲. در بیت کدام کنایه‌ها مفهومی یکسان دارند؟ مفهوم مشترک آن‌ها را بنویسید.
 «نعره برآورده فلک کرده گر / دیده سیه کرده شده زهره‌در»
 ۱۱۳. در بیت «در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چومنی همسری» منظور از «پرده نیلوفری» چیست؟
 ۱۱۴. مفهوم نهایی کدام بیت متفاوت است؟
 الف) گه به دهان برزده کف چون صدف
 ب) ابر ز من حامل سرمایه شد
 ج) چون بگشایم ز سر مو شکن
 ۱۱۵. مفهوم مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.
 الف) چون بگشایم ز سر مو، شکن
 ب) خواست کزان ورطه قدم در کشد
 ۱۱۶. مصراع دوم «گه به دهان برزده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» بر کدام ویژگی چشمه تأکید دارد؟
 ۱۱۷. با توجه به شعر «چشمه» کدام بیت در توصیف «چشمه» نیست؟
 الف) خواست کزان ورطه قدم در کشد
 ب) چون بدوم سبزه در آغوش من
 ج) نعره برآورده، فلک کرده گر
 گاه چو تیری که رود بر هدف
 باغ ز من صاحب پیرایه شد
 ماه ببیند رخ خود را به من
 ماه ببیند رخ خود را به من (حیات‌بخشی چشمه - زلالی چشمه)
 خویشتن از حادثه برتر کشد (برتری جویی - عقب‌نشینی)
 دیده سیه کرده، شده زهره‌در
 بوسه زند بر سر و بر دوش من
 دیده سیه کرده، شده زهره‌در

۱۱۸. با توجه به عبارت زیر، کدام صفت، ویژگی «ماهی حازم» را دقیق‌تر بیان می‌کند؟

«آنکه حزم زیادت داشت و دست‌برد زمانه جافی را دیده بود، سبک روی به کار آورد و از آن جانب که آب در می‌آمد برفور بیرون رفت.»

الف) امیدوار ب) خوش‌اقبال ج) فرصت‌طلب د) باتجربه

۱۱۹. منظور از «گهر تابناک» در «قطره باران که در افتد به خاک / زو بدمد پس گهر تابناک» چیست؟ معادل معنایی آن در کدام بیت آمده است؟

الف) چون بگشایم ز سر مو شکن ماه ببیند رخ خود را به من

ب) ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

۱۲۰. از ستون دوم، مفهوم مناسب را برای ابیات ستون اول انتخاب کنید (یک مفهوم اضافه است).

الف) ما را سر باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرج آنجاست خودشیفتگی

ب) چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید اغتنام فرصت

ج) گل به همه رنگ و برزندگی می‌کند از پرتو من زندگی فواید فروتنی

ترجیح یار بر همه چیز

۱۲۱. بیت «پشت دیوار آنچه گویی هوش دار / تا نباشد در پس دیوار، گوش» توصیه‌ای است به:

الف) دوری از غیبت

ب) احتیاط در سخن گفتن

ج) احتیاط در انتخاب مخاطب

۱۲۲. دو بیت زیر با هم تقابل دارند یا تناسب؟

الف) که جایی که دریاست من کیستم گر او هست حقاً که من نیستم

ب) در بن این پرده نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

۱۲۳. مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر را بنویسید.

الف) چو خود را به چشم حقارت بدید صدف در کنارش به جان پرورید

ب) از آسمان تاج بارد، اما بر سر آن کسی که سر فرود آرد.

۱۲۴. با توجه به «غفلت کردم و اکنون وقت حیلست است. هر چند تدبیر در هنگام بلا، فایده بیشتر ندهد» جمله پایانی توصیه به کدام یک از موارد زیر است؟

الف) علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد

ب) مبخشای بر هر کجا ظالمی است

ج) سر دشمن به دست دشمن دیگر کوب

یک گام فزاتر

قلمرو زبانی

۱۲۵. معادل واژگانی «احتیاط، روش، مکرها، بی‌همتا» را در عبارات زیر مشخص کنید.

الف) پس آنچه تو را باید گفت در این نامه گفتیم تا تو بدانی که سخن بر چه نمط باید گفت.

ب) این سلطان ما امروز نادره روزگار است خاصه در نبشتن و نامه فرمودن و مخاطبه نهادن.

ج) مردم خردمند با عزم و حزم آن است که او به رأی روشن خویش به دل یکی بود.

د) باید راه مکاید ایشان را بسته گردانیم و تو را به نهایت همت و نهایت امنیت برسانیم.

۱۲۶. با توجه به معنی عبارت، واژه مناسب را انتخاب کنید.

الف) چند روز در بوتۀ ابتلا بودم و به آتش قهر می‌سوختم و زمانه (حازم - جافی) در پایگاه حوادث دستبرد می‌نمود.

ب) اگر رأی عالی بیند ایشان را نگاه داشته آید که (خیره - پیرایه) ملک، پیران باشند.

۱۲۷. صورت درست املائی را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) به عشق و مهر تو آن (بحر - بهر) دور پایاتم که در نیابد چرخ و هوا، کرانه من

ب) دل در فرع بستن و اصل را به جای ماندن محال است و ما را (نواب - صواب) آن می‌نماید که به تعجیل سوی نشابور و هرات رانیم و قصد

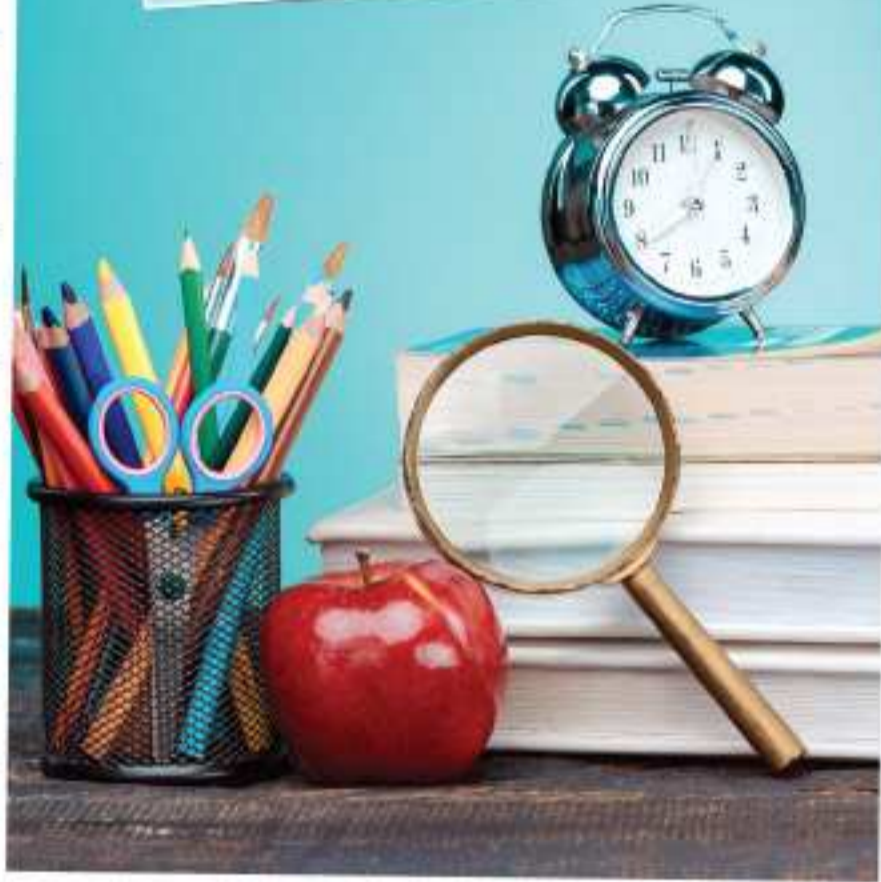
اصل کنیم.

۱۲۸. در عبارت زیر املائی کدام واژه نادرست است؟ درست آن را بنویسید.

«رب العالمین نام خود را مبارک گفت، با برکت است نام خداوند بزرگوار و هر کاری که در مبدع و مقطع وی نام خدای رود با برکت و پر خیر بود.»

بخش دوم

آزمون‌ها





تألیفی نوبت اول		سؤالات تألیفی نوبت اول	
تاریخ: / /	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	کلید رشته‌ها	درس: فارسی ۱ (دهم)
ردیف	سؤالات	نمره	
	قلمرو زبانی (۷/۵ نمره)		
۱	معنی کدام واژه نادرست نوشته شده است؟ الف) لثیمی: فرومایگی ب) غارب: میان دو کتف ج) نمط: طریقه د) حازم: احتیاط	۰/۵	
۲	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) مکاری از ما سی دینار مغربی می‌خواست. ب) پیران قبیله خویش را حرمت دار اما به ایشان مولع مباش.	۰/۵	
۳	واژه «سودا» در عبارت «مرد حقه برگرفت و به خانه رفت و سودای آتش بگرفت که آیا در این حقه چه سراسر است؟» به کدام معنی به کار برفته است؟ الف) اندیشه ب) عشق ج) خیال د) هوس	۰/۲۵	
۴	در هر کدام از موارد زیر یک غلط املائی بیابید و آن را اصلاح کنید. الف) سبا در آن سر زلف از دل مرا بینی ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد ب) چون بخواستیم رفت ما را به انعام از راه دریا گسیل کرد چنان که در کرامت و فراق به پارس رسیدیم. ج) در بدایت بند و چاه بود در نهایت تخت و گاه بود، پس چون در او این چندین اندوه و ترب بود در نهاد خود شگفت بود.	۰/۷۵	
۵	املائی صحیح واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به سزا حق شناس باش خاصه (خرابت - قرابت) خویش را. ب) هائل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن تأخیر (صواب - ثواب) نبیند.	۰/۵	
۶	در یکی از موارد زیر یک غلط املائی هست، آن را مشخص کنید. الف) در فکر آن گودالم که خون تو را مکیده است، در حسیض هم می‌توان عزیز بود، از گودال بپرس. ب) عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر خراب شده است، آن را امارت باید کردن.	۰/۲۵	
۷	در بیت زیر یک واژه «دوتلفظی» مشخص کنید. «تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش»	۰/۲۵	
۸	نقش دستوری «ضمیر متصل» را بنویسید. الف) هر آنکه جانب اهل وفا نگه دارد ب) چون روز شد گفتمش: «آن چه حالت» بود؟ ج) خدایش در همه حال از بلا نگه دارد	۰/۵	
۹	در هر کدام از موارد زیر فعل محذوف و قرینه حذف (لفظی یا معنایی) را مشخص کنید. الف) می‌دانی ناصر؟ دیشب باد آمده و دیوار حیاط را خراب کرده است. ب) هر چه در سوی تو حسینی شد، دیگر سوی یزیدی.	۰/۵	
۱۰	در سروده زیر یک گروه اسمی مطابق با الگوی «اسم + صفت + مضاف‌الیه» مشخص کنید. «مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مردنی چنان / هبطه بزرگ زندگانی شد.»	۰/۵	
۱۱	بیت زیر را بر اساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید. «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغل‌ه‌زن، چهره‌نم‌ها، تیزپ‌ها»	۰/۵	
۱۲	در کدام گزینه فعل «گشت» با «بادی» که در زمانه بسی شمع‌ها بگشت / هم بر چراغ‌دان شما نیز بگذرد، تفاوت معنایی دارد؟ الف) شکایت‌کنان گه ز سر، گه ز پشت چراغی که در دست خود داشت گشت ب) نبینی که آتش، زبان است و بس به آبی توان گشتنش در نفس ج) غیرتم گشت که محبوب جهانی لیکن روز و شب عربده با خلق خدا نتوان کرد	۰/۲۵	
۱۳	در جمله «به مجلس وزیر شدیم» تفاوت معنایی واژه مشخص شده را با کاربرد امروزی آن بنویسید.	۰/۲۵	



تألیفی نوبت اول

سؤالات تألیفی نوبت اول

تاریخ: / /

مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

کلیه رشته‌ها

درس: فارسی ۱ (دهم)

ردیف	سؤالات	نمره
۱۴	با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «من و برادرم هر یک لنگی کهنه پوشیده بودیم و پلاس پاره‌ای در پشت بسته از سر ما. گفتیم اکنون ما را که در حقم گذارد؟ خورجینکی بود که کتاب در آن می‌تهدام، بفروختم.» الف) در کدام جمله فعل کمکی «بودیم» حذف شده است؟ ب) یک واژه مشخص کنید که پسوند آن معنی «کوچکی» می‌دهد.	۰/۵
۱۵	نوع «او» را در عبارت زیر مشخص کنید. «صاد معلم ما بود، آدمی صاف و افتاده. سالش به چهل نمی‌رسید. کارش نگار نقشه‌قالی بود و در آن دستی نازک داشت.»	۰/۵
۱۶	نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) صاد هرگز جانوری از پهلوی نکشید. ب) گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید. ج) در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود.	۱
۱۷	قلمرو ادبی (۵ نمره) از ستون دوم آرایه مناسب را برای ابیات ستون اول بیابید (یک آرایه اضافه است). الف) شیرین‌ترین لبخند بر لبان اراده توست. ب) چو سرو از راستی برزد علم را ج) ما را سر باغ و بوستان نیست هرجا که توپی تفرج آن جاست ندید اندر جهان تاراج غم را هرجا که توپی تفرج آن جاست مجاز حسن تعلیل حسن آمیزی ایهام	۰/۷۵
۱۸	با توجه به بیت «برکن ز بن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برکنند»: الف) یک تشبیه بیابید. ب) کدام واژه «استعاره» است؟ مفهوم آن را بنویسید.	۰/۷۵
۱۹	آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) لاله دیدم، روی زیبای توام آمد به یاد ب) گفتیم که بوی زلفت گمراه عالم کرد شعله دیدم، سرکشی‌های توام آمد به یاد (تشبیه - مجاز) گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید (مجاز - ایهام)	۰/۵
۲۰	جاهای خالی را کلمات مناسب پر کنید. الف) به آثاری که در آن به هواطف و احساسات شاعر یا نویسنده درباره دوستی، محبت، عشق، شادی و مفاهیم عرفانی، پرداخته می‌شود، ادبیات _____ گفته می‌شود. ب) اثر _____ اثری است که با هدف آموزش، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.	۰/۵
۲۱	بیت بعدی «تا خار هم عشقت آویخته در دامن / کوه نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها» را بنویسید.	۰/۵
۲۲	از شعر «همای رحمت» یک بیت بنویسید که قافیه آن «کربلا» باشد.	۰/۵
۲۳	برای هر کدام از مؤلفان زیر یک کتاب بنویسید. الف) محمد بن منور: (ب) احمد بن محمد زید طوسی: (ج) خواجه نظام الملک توسی:	۰/۷۵
۲۴	در هریک از موارد زیر یک کنایه بیابید و مفهوم آن را بنویسید. الف) در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود. ب) تدان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می‌افتد.	۰/۵
۲۵	جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید. «_____ در سده هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آباد ایران در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، شعر «بیداد ظالمان» را سرود.»	۰/۲۵

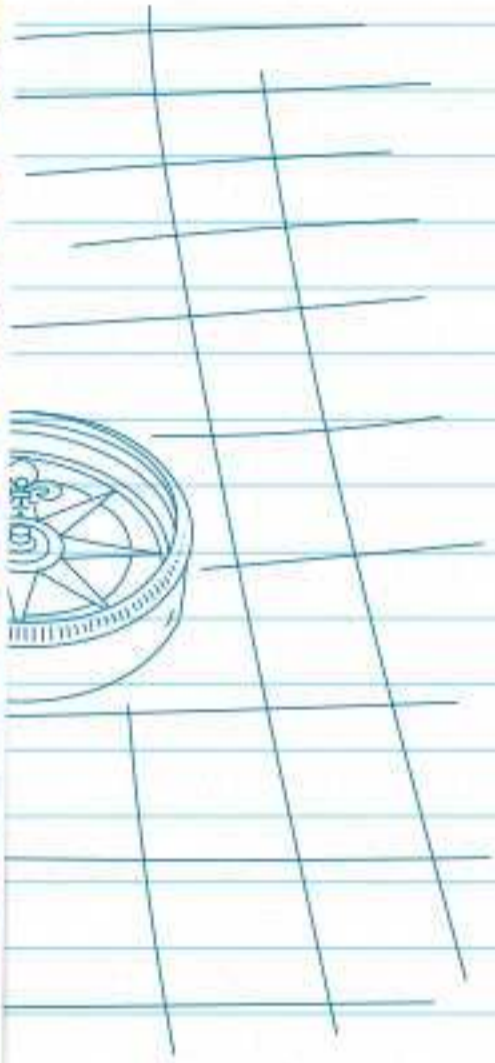
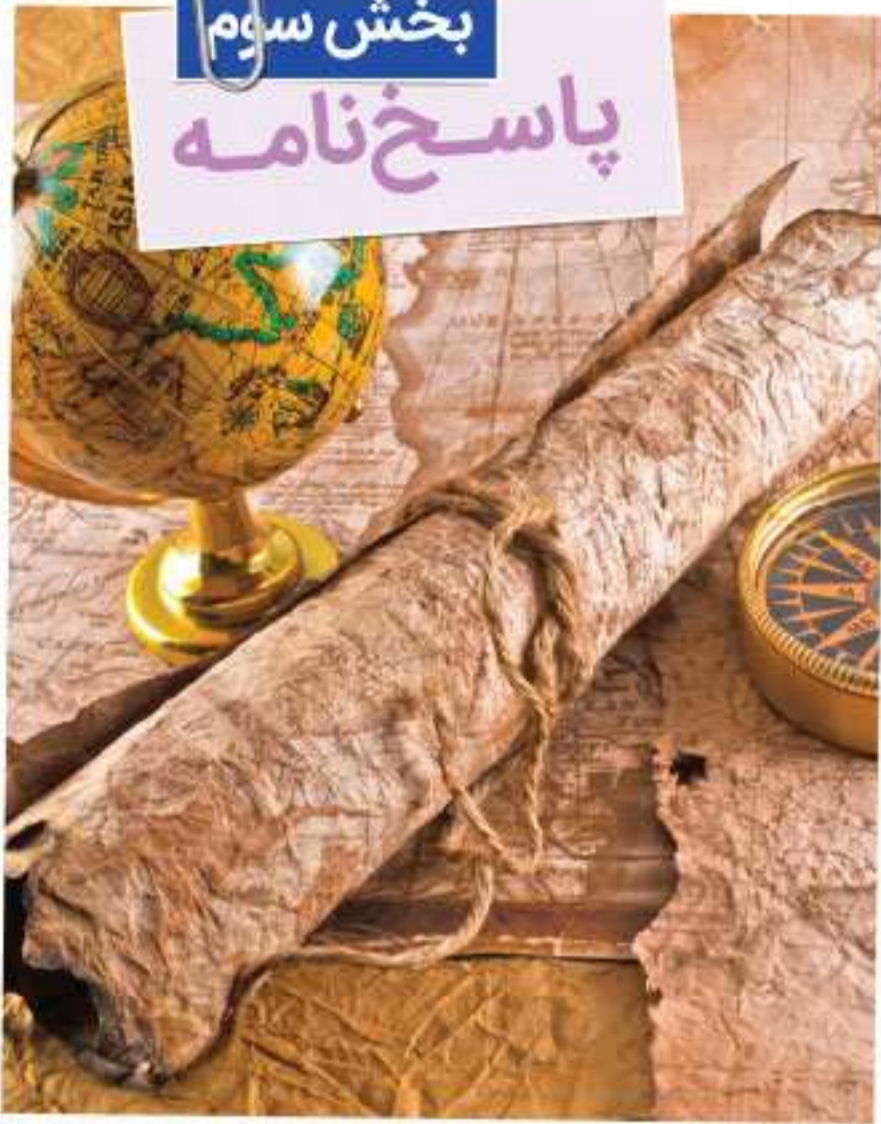




سؤالات تألیفی نوبت اول		تألیفی نوبت اول	
درس: فارسی ۱ (دهم)	کلیه رشته‌ها	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	تاریخ: / /
ردیف	سؤالات	نمره	
۲۶	<p>قلمرو فکری (۷/۵ نمره)</p> <p>هر کدام از موارد ستون «الف» با کدام یک از موارد ستون «ب»، تناسب مفهومی دارد؟</p> <p>الف</p> <p>الف) حاسبوا قبل ان تحاسبوا</p> <p>ب) ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان</p> <p>ج) صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر سیرت زیبا بیار</p> <p>د) کُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ</p> <p>ب</p> <p>چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد</p> <p>اگر نتوانی که صورت خود را چون صورت او گردانی: باری، بتوانی که سیرت خود را چون سیرت او گردانی</p> <p>هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد این رونق زمان شما نیز بگذرد</p> <p>اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.</p>	۱	
۲۷	<p>مفهوم مناسب هر بیت را از داخل کمانک انتخاب کنید.</p> <p>الف) چو خود را به چشم حقارت بدید ب) بر تیر جور تان ز تحفل سپر کنیم</p> <p>صدف در کنارش به جان پرورید (فواید تواضع - فواید دوستی)</p> <p>تا سختی کمان شما نیز بگذرد (هواقب ظلم - فواید صبوری)</p>	۰/۵	
۲۸	<p>«ترجیح مرگ بر زندگی» در کدام سروده آمده است؟</p> <p>الف) خونت با خون بهایت حقیقت در یک تراز ایستاد.</p> <p>ب) مردنی چنان غبطه بزرگ زندگانی شد.</p> <p>ج) <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/></p> <p>ب) آه، ای مرگ تو معیار!</p>	۰/۲۵	
۲۹	<p>در بیت «ای تو زمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد» منظور از کلمات مشخص شده چیست؟</p>	۰/۵	
۳۰	<p>کدام بیت با آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» تناسب دارد؟</p> <p>الف) حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست ب) هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد</p> <p>که آشنا سخن آشنا نگه دارد خدایش در همه حال از بلا نگه دارد</p>	۰/۲۵	
۳۱	<p>مفهوم مشترک دو عبارت زیر را بنویسید.</p> <p>الف) العَصْبَرِ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ب) یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود.</p>	۰/۵	
۳۲	<p>با توجه به عبارت «چون از در رفتیم، گرمابه بان و هر که آن جا بودند، همه برپای خاستند و بایستادند؛ چندان که ما در حقام شدیم، و دلاک و قییم در آمدند و خدمت کردند»:</p> <p>الف) «برپای خاستن» و «ایستادن» نشانه چیست؟ ب) «خدمت کردن» در این عبارت به چه معنی به کار رفته است؟</p>	۰/۵	
۳۳	<p>ابیات و عبارات زیر را، به نثر روان معنی کنید.</p> <p>الف) خلف صدق نیاکان هنرور خود بود. ب) سه ماه بود که موی سر باز نکرده بودیم. ج) هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید. د) خون تو شرف را سرخ‌گون کرده است. ه) خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده، مباش. و) فروغ رویت اندازی سوی خاک ز) در بن این پرده تیلوفری کیست کند با چومنی همسری؟</p>	۴	
	جمع نمره	۲۰	

بخش سوم

پاسخنامه





۵۳. الف حیلها ب هجوم

۵۴. گزینه «د» ورطه به معنی دریا نیست.

۵۵. الف پیچ و خم زلف ب لاجوردی

۵۶. الف احتیاط ب به نظر آمدن ج تکیه دادن د رویدن

۵۷. الف نادرست (پیرایه به معنی زیور و زینت است). ب درست

۵۸. آسمان: فلک / قرار: میعاد / جای نبرد: معرکه / ستمگر: جافی

۵۹. صواب (ثواب) به معنی «پاداش» است و مناسب این عبارت نیست.

۶۰. نعت ← نمط / مبدع ← مبدأ

۶۱. الف غلغله ب ورطه

۶۲. الف بحر (بهر) به معنی «برای» است و مناسب این بیت نیست.

ب خواست (خواست) به معنی «بلند شد» مناسب این عبارت نیست.

۶۳. الف برازنده‌گی ← برزندگی ب قالب ← غالب

نکته: انتهای برخی واژه‌ها حرف «ه» است ولی به صورت «ی» تلفظ

می‌شود، مثل برازنده، خانه، آشفته و ... (که به ترتیب، به صورت برزند،

خان و آشفته تلفظ می‌شوند). هرگاه پسوندی به انتهای این واژه‌ها اضافه

شود که آن پسوند با مصوت «ا، و، ی» شروع شود، «ه» حذف می‌شود:

برازنده + ی ← برزندگی آشفته + ی ← آشفته‌گی

خانه + ی ← خانگی

نوشتن این واژه‌ها به صورت برازنده‌گی، آشفته‌گی و خانه‌گی، از نظر

املائی غلط است.

توجه: «گ» در این واژه‌ها میانجی است و برای آسانی تلفظ می‌آید.

۶۴. الف هزم ← حزم (هزم) به معنی «شکست» مناسب عبارت نیست.

ب غذا ← قضا

۶۵. هامل سرمایه ← حامل سرمایه / مدحوش ← مدهوش / غوقا ← غوغا

۶۶. یکی چشمه، غلغله‌زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.

یادآوری: به‌هنگام مرتب کردن جملات بیت بر اساس زبان فارسی، ابتدا

ببینید بیت چند جمله دارد و هر جمله را جداگانه مرتب کنید. به‌هنگام

مرتب کردن هر جمله، این دو اصل را فراموش نکنید: ۱) نهاد (اگر نهاد

حضور داشته باشد) در ابتدای جمله می‌آید. ۲) فعل در آخر جمله می‌آید.

البته می‌توان حروف ربط مثل «چو، چونکه، وقتی، لیک و ...» و همچنین

قید را نیز قبل از نهاد آورد.

۶۷. گل با همه رنگ و برزندگی، از پرتوی من زندگی می‌کند.

۶۸. گزینه «ج». «زند» فعل است و باید آخرین عضو جمله خود باشد. سبزه

در آغوش من بر سر و گوش من یوسه زند.

۶۹. گهر تابناک (گهر تابناک) نهاد است و باید به‌هنگام مرتب کردن در

ابتدای جمله قرار گیرد.

۷۰. گزینه «ب». (نرگس جادوی تو) نهاد است و «فتنه‌انگیز جهان» مسند

است و می‌دانیم که جای نهاد در ابتدای جمله است.

۷۱. وان همه هنگامه دریا (چه چیزی را دیدید؟) ← آن همه هنگامه دریا را دیدید.

۷۲. الف مسند ب متمم

یادآوری: برای یافتن نقش مسند کافی است که فعل‌های اسنادی

را بشناسید. اگر مطمئن بودید فعل جمله، اسنادی است، گروه چسبیده

به فعل اسنادی، مسند است. مثلاً در جمله «ابر ز من، حامل سرمایه شد»

فعل «شد» اسنادی است و بر اساس قانون همه یا هسته، «حامل» یا «حامل

سرمایه» مسند است.

۲۵. الهی‌نامه نظم است. ۲۶. مثنوی

۲۷. الف خدایا بخشش خود را همراه ما کن ب تو آفریننده همه انسان‌ها یا همه موجودات هستی.

۲۸. الف چه خوش است که زبان و دهانم از تو گویا شده است (یا: چه

خوش است که زبان و دهانم از تو می‌گویند)، تو ظاهر و باطن من هستی.

ب وقتی در فصل بهار آشکار می‌شوی، به‌راستی که خود را نشان می‌دهی.

۲۹. الف به نام خالق و آفریننده هفت آسمان که آدمی را از مقدار اندکی

خاک خلق کرد، سخنم را آغاز می‌کنم. ب پرتوی از رویت را بر زمین

می‌افکنی و بدین گونه تصاویری شگفت‌انگیز بر روی زمین پدید می‌آوری.

۳۰. گزینه «الف». در بیت صورت سؤال، سخن از تجلی خداوند در طبیعت و

در فصل بهار است، بیت «الف» نیز ادامه همین مفهوم است: پرتویی از رویت

را بر روی خاک می‌اندازی و ...

۳۱. «پرده از رخسار برداشتن» کنایه از آشکار کردن است.

۳۲. خندان بودن گل کنایه از شکوفا شدن گل است.

۳۳. الف وصف‌ناپذیری ب تجلی خدا

۳۴. رزاق و خلاق (یا: روزی‌دهنده بودن و آفریننده بودن)

۳۵. گزینه «الف». خلاق بودن (آفریننده بودن)

۳۶. الف از آن ب شوق گل‌ها به خداوند

۳۷. گزینه «ج» ۳۸. توجه و عنایت

۳۹. گزینه «الف»، صفت خلاق (در بیت صورت سؤال شاعر خداوندی را

ستایش می‌کند که «کردگار» افلاک است و آدم را «خلق» کرده، بنابراین

صفت «خلاق» در بیت «الف» پاسخ مناسب است.

۴۰. پرتو: فروغ ← «ب» / دهان: کام ← «ج» / رحمت: فضل ← «الف»

۴۱. «کام» اول به معنی «خواسته و آرزو» است و «کام» دوم به معنی «دهان»: انسان

فقط با رفتن به دهان نهنگ (=تن دادن به سختی‌ها و خطرات) به آرزویش می‌رسد.

۴۲. نذر ← نظر

۴۳. گزینه «الف». جان شاخه‌ای است، میوه آن، علم و فضل و رای [است].

۴۴. خدایا: منادا / شاد: مسند (من از این دلم، یک زمان، شاد نگشتم).

۴۵. الف جناس (بین «است» و «دست») ب تشبیه («دگه عقل» اضافه

تشبیهی است).

۴۶. الف مراعات‌نظیر ب تضاد

۴۷. خدا فراتر از عقل و خرد است (یا هر پاسخ درست و مناسب)

۴۸. گزینه «ب». در این گزینه شاعر از مخاطب خود می‌خواهد که اگر پس

از مرگش از مزار او عبور کرد به یاد او هم باشد. اما در سایر گزینه‌ها صراحتاً

به آفرینش انسان از خاک اشاره شده است.

پاسخ سؤالات درس ۱

۴۹. الف محتاط ب شایستگی، لیاقت (ذکر یک مورد کافی است).

۵۰. گزینه «ب»، برابری

۵۱. الف روش، طریقه ب تندرو، تیزرو (ذکر یک مورد کافی است)

۵۲. الف گل سرخ ب حیران

نکته: به هنگام خواندن و حفظ کردن لغات به دو مورد زیر بسیار

توجه داشته باشید: ۱) جمع و مفرد بودن ۲) اسم و صفت بودن

هرگاه یک واژه، جمع است، معنی آن هم حتماً باید جمع باشد و اگر

مفرد است، معنی آن نیز حتماً جمع است. اگر واژه‌ای صفت است، معنی

آن هم باید صفت باشد و اگر اسم است، معنی آن باید اسم باشد.

۷۳. الف نهاد (من تاج سر گلبن و صحرا هستم). ب مضاف‌الیه

نکته: اگر اسمی بعد از کسره، پس از یک اسم دیگر بیاید، مضاف‌الیه است: آغوش من، حامل سرمایه، سر مو، رخ خود، قطره باران، فتنه‌انگیز جهان، پهنای دریا، چشم حفارت، در نیستی، دست‌برد زمانه، هنگام بلا، ثبات مردان و...

۷۴. الف صفت ب متمم

یادآوری: در فارسی هشتم با وابسته‌های پیشین آشنا شدیم و خواندیم که برخی صفت‌ها، پیش از اسم می‌آیند و وابسته پیشین برای اسم هستند. یکی از آن صفت‌های پیشین، صفت شمارشی بود: یک بحر، دو انسان، سه کلاس، چهار درخت، پنج قناری، هزار سؤال و... البته گاهی اوقات این صفت‌های شمارشی به صورت ترتیبی هم می‌آیند: اولین سؤال، دومین انسان، چهارمین ستاره، هفتمین جشنواره و...

۷۵. الف مفعول (خویشتن را از حادثه برتر کشد). ب مسند (از مبدأ دور گشت = شد = فعل اسنادی)

۷۶. الف در این بیت «را» حرف اضافه است: در ما سر باغ و بوستان نیست. ب در این بیت «را» نشانه مفعول است: ماه، رخ خود را به واسطه من ببیند.

۷۷. الف قید ب صفت ج نهاد د مفعول

۷۸. گزینه «الف». کلمه «حقاً» قید است (کلمات تنوین دار همیشه و در هر حالتی، قید هستند و نقش دیگری نمی‌پذیرند) و در بیت «الف» واژه «کمی» نیز قید است. ۷۹. سه مفعول: ۱ نعره ۲ فلک ۳ دیده

نکته: به هنگام یافتن مفعول، فقط کافی است فعل‌های مفعول‌پذیر را شناسایی کنید. به تعداد فعل‌های مفعول‌پذیر، مفعول داریم. در این بیت، فعل‌های «برآورده»، «کرده» و «کرده» هر سه مفعول‌پذیرند، بنابراین علی‌القاعده سه مفعول هم در بیت وجود دارد.

۸۰. فقط فعل «هستم» در جمله «من کیستم» اسنادی است. سایر افعال، این بیت به معنی «وجود داشتن» به کار رفته و بنابراین اسنادی نیستند: جایی که دریا وجود دارد من کیستم، گر او وجود دارد حقا که من وجود ندارم.

۸۱. قید. واژگان مصراع دوم همگی قید هستند.

۸۲. گزینه «الف»: آن مست‌شده از غرور، زین نمط رفت.

۸۳. الف زندگی می‌کند. ب دو صفت گرفته: ۱ این (صفت پیشین) ۲ نیلوفری (صفت پسین)

نکته: فعل جمله «از پرتوی من زندگی می‌کند»، «زندگی می‌کند» است نه «می‌کند» و به اصطلاح، فعل، «مُرکَّب» است: زیرا نمی‌توانیم بعد از کلمه «زندگی» در جمله «از پرتوی من زندگی می‌کند» کلمه‌ای (مثلاً صفت یا مضاف‌الیه) اضافه کنیم. این اتحاد بین «زندگی» و «می‌کند» نشان می‌دهد که «زندگی می‌کند» یک خانواده است و باید روی هم رفته آن را فعل حساب کرد. اما مثلاً در جمله «او به درخت نگاه می‌کند» فعل، «می‌کند» است نه «نگاه می‌کند»: زیرا می‌توانیم مثلاً بگوییم «او به کوه نگاه دقیق می‌کند».

۸۴. مجاز (واژه «سر» مجاز از قصد و نیت است).

۸۵. [من = مشبه] تاج سر [مشبه به] هستم.

۸۶. حس آمیزی - گزینه «الف» شیرین‌سخنی حس آمیزی دارد.

۸۷. الف مشبه: حرف‌هایم / مشبه به: تکه چمن / ادات تشبیه: مثل / وجه شبه: روشن بودن ب حرف، مجاز از سخن است. ج روشن بودن حرف

۸۸. «عالم» مجاز از مردم عالم است و «نرگس» مجاز از چشم است.

یادآوری: در ایستگاه ادبی این درس یادآور شدیم که «نرگس» به علت مشابهت با چشم، به جای چشم به کار رفته، به این نوع مجاز، «استعاره» هم می‌گویند. من به تبعیت از متن کتاب درسی، تمام استعاره‌های این درس را مجاز گرفته‌ام. اما در امتحان اگر بیتی دادند که استعاره داشت و از شما خواستند «مجاز» مشخص کنید، استعاره را مجاز بگیرید و اگر استعاره خواستند طبعاً واژه استعاره را به عنوان استعاره معرفی می‌کنید.

۸۹. مجاز («سر» مجاز از قصد است).

۹۰. الف مجاز (گهر تابناک مجاز یا استعاره از گل‌هاست). ب جناس (بین «پست» و «هست» جناس ناقص برقرار است).

۹۱. الف مجاز (برده نیلوفری مجاز یا استعاره از آسمان است). ب تضاد (بین چشمه و دریا تضاد مفهومی برقرار است).

۹۲. الف کنایه (قدم در کشیدن) ب تشخیص (گر شدن فلک) ج جناس (هوش و گوش) د مجاز (گوش مجاز از انسان سخن‌چین است).

توجه: در سوالات انتخابی فقط کافی است گزینه یا واژه درست را انتخاب کنید و نیاز به هیچ توضیحی ندارید. این که من در پراکنش آرایه را توضیح می‌دهم برای آموزش بهتر است و گرنه شما در امتحان فقط کافی است اسم آرایه را بنویسید تا نمره کامل بگیرید.

۹۳. صدف و نیر ۹۴. تشخیص

۹۵. سرمایه ← باران / پیرایه ← گل و گیاه

۹۶. الف در، بر و سر ب سر به گریبان بردن

۹۷. مشبه: تنش / مشبه به: زلزله / وجه شبه: یله دادن / ادات تشبیه: به مانند

۹۸. تضاد: چشمه و دریا (تضاد مفهومی) / مجاز: معرکه مجاز از عالم طبیعت است (مجاز از نوع استعاره).

۹۹. گزینه «ب» بین صدف و هدف جناس ناقص برقرار است. در بیت «الف»، «یکتا» و «صحرا» و در بیت «ج» «خروشنده» و «جوشنده» قافیه هستند اما اختلافشان بیش از آن چیزی است که جناس بسازند.

۱۰۰. نیما پوشیج ۱۰۲. کلیله و دمنه

۱۰۱. علی اسفندیاری ۱۰۳. تعلیمی

۱۰۴. ادبیات تعلیمی

۱۰۵. گزینه «ب». غزلیات شمس (این اثر، غنایی است).

۱۰۶. الف وقتی در پایان مسیروش به من می‌رسد از شدت خجالت خود را پنهان می‌کند. ب در زیر این آسمان لاجوردی، هیچ کس نمی‌تواند با من ادعای برابری و همانندی کند.

۱۰۷. الف ابر به واسطه من دارای باران شد و گل و گیاهان رنگین باغ نیز به واسطه من پدید آمده‌اند. ب وقتی آرام و بدون موج هستم، ماه چهره خودش را در وجود زلال و صاف من می‌بیند.

۱۰۸. الف [در با] عیناً مانند زمین لرزه‌ای بود و به ساحل لم داده بود. ب خواست از آن مهلکه دوری کند و خود را از آن حادثه (مواجهه با دریا) نجات دهد.

۱۰۹. الف وقتی قطره باران خود را کوچک و حقیر پنداشت، صدف او را با تمام وجودش در کنار خود پرورش داد. ب به این دلیل به مقام والا دست یافت که خود را کوچک شمرد، به سمت فروتنی و کوچکی رفت تا بزرگ و با عزت شد.

۱۱۰. پنهان شدن



پاسخ سؤالات درس ۲

۱۳۵. الف) تبا، تلف ب) خویشاوند
۱۳۶. الف) نشان داده، آشکار کرده، ارائه کرده (تاریک مورد کف) ب) بی‌نیاز
۱۳۷. گزینۀ «الف».
۱۳۸. گزینۀ الف، واژه «مولع» به معنی آزمند و بسیار مشتاق است.
۱۳۹. الف) عمده: کارگر ب) تیمار داشتن: غمخواری و محافظ از کسی که بیمار باشد یا به رنجی گرفتار باشد.
۱۴۰. در عبارت صورت سؤال «نهاد» به معنی «سرشت» است و در مصراع «عشق شوری در نهاد ما نهاد» «نهاد» اول نیز به معنی سرشت است.
۱۴۱. «داد» اول به معنی حق و انصاف است و «داد» دوم به معنی فعل ماضی از مصدر «دادن».
۱۴۲. الف) آجر نصف‌شده ب) دگرگون و متغیر نشوی
۱۴۳. الف) «رسته» ب) نجات‌یافته
۱۴۴. الف) بزی ب) زندگی کن (فعل امر از مصدر «زیستن» است).
۱۴۵. الف) قرابت («غرابت» به معنی شگفتی و بیگانگی با این عبارت تناسبی ندارد بلکه «قرابت» به معنی «خویشاوند» مناسب است.) ب) خرده
- نکته:** «خوردن» یک معنای رایج دارد و آن هم «تناول کردن غذا» است. واژه‌هایی که معنی «ریزی، کمی و کوچکی» می‌دهند همگی بدون «ولو» نوشته می‌شوند: خرده ریزه، پول خرد، خردسال و...
۱۴۶. الف) اسرار ← اصرار (أصرار جمع «یسر» به معنی «راز» است.) ب) بقص ← بغض
۱۴۷. گزینۀ «الف». «حیات» به معنی «زندگی» است که مناسب این عبارت نیست بلکه با توجه به عبارت، به «حیات» در معنی «محوطه بدون سقف ساختمان» نیازمندیم.
۱۴۸. آذمند و مشتاق ← آزمند / قرابت و خیشی ← قرابت و خویشی
۱۴۹. الف) گوش ب) بنگردی
- نکته:** در گذشته گاهی، با وجود «ن» نفی، «ب» التزامی‌ساز را حذف نمی‌کردند و مثلاً فعل منفی «بروم» را به گونه «بَروم» به کار می‌بردند. «بنگردی» در این درس چنین وضعیتی دارد، و گرنه این فعل را امروزه به شکل «نگردی» منفی می‌کنیم.
۱۵۰. الف) نپذیرفته بودیم ب) داشتی می‌پذیرفتی
۱۵۱. گزینۀ «ج». در ماضی مستمر به هنگام منفی کردن، فعل کمی حذف می‌شود و منفی فعل ماضی مستمر، شبیه ماضی استمراری می‌شود. بنابراین منفی دو فعل «داشتیدمی نوشتید» و «می نوشتید» کاملاً شبیه هم است و به شکل «نمی نوشتید» است.
۱۵۲. الف) فعل جمله دوم «می ریخت» است که مضارع اخباری آن با حفظ شخص «می‌ریزد» است. ب) ماضی نقلی
۱۵۳. الف) ماضی مستمر (داشت می‌رسید). ب) بخواباند ج) «نمی‌آید» مضارع اخباری است که ماضی بعید آن در سوم شخص مفرد، «آمده بود» و ماضی منفی آن «نیامده بود» است.
- نکته:** در فعل «ماضی مستمر» و «مضارع مستمر» در اغلب اوقات بین «فعل اصلی» و «کمکی» فاصله می‌افتد، به دو مثال زیر توجه کنید: الف) داشتیم با بچه‌های کلاس، بازی می‌کردیم. ب) دارند با هیجان فوتبال می‌بینند. همان‌طور که می‌بینید در این دو مثال، بخشی کمکی (داشتن) از بخش اصلی فعل جدا شده است، اما باید توجه داشت که این دو، یعنی کمکی «داشتن» + «فعل اصلی»، روی هم رفته، یک فعل را تشکیل می‌دهند و بنابراین فعل جمله الف «داشتیم می‌کردیم» و فعل جمله ب «دارند می‌بینند» است.

۱۱۱. نماد انسان‌های خودشیفته و مغرور
۱۱۲. «دیده‌سپه کردن» و «زهره‌درشدن» هر دو کنایه از ترسناک و مهیب شدن است.
۱۱۳. آسمان لاجوردی
۱۱۴. گزینۀ «الف». در گزینۀ الف شاعر به توصیف ظاهر چشمه پرداخته که کف کرده و با سرعت حرکت می‌کند اما مفهوم مشترک دو بیت دیگر، خودستایی است.
۱۱۵. الف) زلالی چشمه ب) عقب‌نشینی
۱۱۶. سرعت داشتن
۱۱۷. گزینۀ «ج». این بیت در توصیف دریاست نه چشمه.
۱۱۸. گزینۀ «د». با تجربه
۱۱۹. منظور از گهر تابناک، گل‌ها و گیاهان است و معادل معنایی آن در بیت «ب» آمده: پیرایه در این بیت مجاز از گل و گیاه است.
۱۲۰. الف) ترجیح یار بر همه چیز ب) فواید فروتنی ج) خودشیفتگی
۱۲۱. گزینۀ «ب». احتیاط در سخن گفتن
۱۲۲. تقابل دارند (بیت اول از زبان موجودی فروتن گفته شده و بیت دوم از زبان موجودی خوشیفته و خودخواه)
۱۲۳. فواید تواضع و فروتنی (در عبارت «ب» «سر فرو آوردن» کنایه از متواضع بودن است).
۱۲۴. گزینۀ «الف»
۱۲۵. احتیاط: حزم ← «ج» / روش: نمط ← «الف» / مکرها: مکاید ← «د» / بی‌همتا: نادره ← «ب»
۱۲۶. الف) جافی («حازم» به معنی «محتاط» است و صفت مناسبی برای روزگار نیست، روزگار هر صفتی داشته باشد، محتاط نیست! اما «جافی» به معنی «ستمگر» مناسب روزگار است.) ب) پیرایه. (پیران، پیرایه و زینت مُلک هستند).
۱۲۷. الف) بحر (به عشق تو آن «دریای» دورپایان هستم که...) ب) صواب («ثواب» به معنی پاداش مناسب این عبارت نیست، بلکه «صواب» در معنی «کار درست» مناسب عبارت است: کار درست آن است که با عجله به سوی نیشابور و هرات برانیم).
۱۲۸. مبدع ← مبدأ («مبدع» به معنی «خلق‌کننده و آفریننده» مناسب عبارت نیست؛ بلکه «مبدأ» به معنی «نقطه شروع» مناسب است، مخصوصاً از واژه «مقطع» به معنی «نقطه پایان» می‌توان به درستی «مبدأ» و نادرستی «مبدع» پی برد).
۱۲۹. الف) حس‌آمیزی (تلخ بودن گرفتاری و صبر «حس‌آمیزی ساخته است»). ب) مجاز («خاک» مجاز از گور و قبر است).
۱۳۰. گزینۀ «د». در این گزینه «ابر» در معنی حقیقی خود به کار رفته است. بررسی سایر گزینه‌ها: الف) «سر» مجاز از قصد و نیت است. ب) «می» مجاز از جام می است، زیرا «می» را نمی‌توان در دست گرفت بلکه «جام می» را در دست می‌گیرند. ج) «جام» مجاز از شراب است، زیرا «شراب» نوشیدنی است نه جام!
۱۳۱. گزینۀ «ب». در این گزینه «تلخی» به «شراب» نسبت داده شده است که نسبتی درست و واقعی است زیرا شراب واقعاً طعم دارد. اما در «الف» «رنگین سخن» و در «ج» «شیرین سخن» هر دو حس‌آمیزی ساخته‌اند.
۱۳۲. گزینۀ «ب». در این گزینه شاعر می‌گوید عاشق چاره‌ای جز تواضع ندارد و در این بیت سخنی از فواید تواضع نیست. اما در سایر گزینه‌ها با تعبیر مختلف از فواید تواضع سخن گفته شده است.
۱۳۳. خودستایی و غرور
۱۳۴. الف) تواضع ب) دوراندیشی ج) خودستایی

۱۷. الف حس آمیزی (شیرین‌ترین لبخند) ب ایهام («راستی» ایهام دارد) ج مجاز («سر» مجاز از قصد است).
۱۸. الف بنای ظلم (اضافه تشبیهی) ب «بنا» در مصراع اول استعاره از ظلم است.
۱۹. الف تشبیه (شاعر به‌طور ضمنی و پنهانی، روی معشوق را به لاله و سرکشی‌های او را به شعله تشبیه کرده است). ب ایهام (کلمه «بوی» ایهام دارد: ۱ رایحه ۲ آرزو و امید)
۲۰. الف غنایی ب تعلیمی
۲۱. گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها
۲۲. به جز از علی که آرد پسری ابوالعجاب / که علم کند به عالم شهدای کربلارا
۲۳. الف اسرار التوحید ب تفسیر سوره یوسف ج سیاست‌نامه
۲۴. الف حرف به کار کسی بودن ← مشکل یا ضعف داشتن ب کلاه از سر افتان ← نهایت حیرت و شگفت‌زدگی
۲۵. سیف‌الدین محمد فرغانی یا سیف فرغانی
۲۶. الف اندر همه کاری داد از خویشان بده، که هر که داد از خویشان بدهد، از داور مستغنی باشد. ب چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد. ج اگر نتوانی که صورت خود را چون صورت او گردانی: باری، بتوانی که سیرت خود را چون سیرت او گردانی هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / این رونق زمان شما نیز بگذرد.
۲۷. الف فواید تواضع ب فواید صبوری
۲۸. گزینه «ج».
۲۹. رمه: مردم / چوپان گرگ‌طبع: حاکمان و گماشتگان درنده‌خو
۳۰. گزینه «ب».
۳۱. فواید صبوری
۳۲. الف احترام گذاشتن ب تعظیم کردن، خم شدن به نشانه احترام
۳۳. الف جانشین راستین و واقعی اجداد هنرمندش بود. ب سه ماه بود که موی خود را نتراشیده بودیم. ج هرگز حيله حيله گران، باراده و مشیت خداوند غیب‌دان، برابر و یکسان نشود. د شهادت تو به بزرگواری اعتبار بخشیده است. ه خودت را به نیکی و نیکوکاری به مردن نشان بده و چون خود را این چنین نشان دادی، هیچ‌گاه برخلاف آن رفتار نکن. ز پرتوی از رویت را بر زمین می‌افکنی و بدین گونه تصاویری شگفت‌انگیز بر روی زمین پدید می‌آوری.
- ز در زیر این آسمان لاجوردی، هیچ‌کس نمی‌تواند با من ادعای برابری و همانندی کند.

پاسخ آزمون شماره ۲ نوبت اول / تألیفی

۱. الف محتاط ب حيله و فریب
۲. خذلان ۳. گزینه «ج».
۴. گزینه «د» (هیچ کدام از حروف «دریا» پتانسیل غلط‌نویسی ندارد).
۵. الف بحر ب خار ج خواستم
۶. گزینه «د».
- بررسی سایر گزینه‌ها: الف تبع و خصلت ← طبع و خصلت ب آذمند و مولع ← آزمند و مولع ج لعیم و فرومایه ← لثیم و فرومایه
۷. الف نذر ← نظر ب اصرار ← اسرار
۸. فعل حذف شده است به قرینه لفظی: درختان را دوست می‌دارم / که به احترام تو قیام کرده‌اند / و آب را [دوست می‌دارم].

۱۴۸۱. گزینه «ب». مفهوم عبارت صورت سؤال «غنیمت شمردن فرصت و حال را دریافتن» است. در بخشی از گزینه «ب» نیز مفهوم این عبارت آمده است: همه خوشبختی خود را در همین دم، قرار ده.
۱۴۸۲. دایره: چنبر ← «ب» / درمانده: عاجز ← «الف» / نهایی: غایی ← «د» / آشکار: هویدا ← «ج»
۱۴۸۳. گزینه «ب». قریب (= نزدیک) ← غریب (بیگانه)
۱۴۸۴. الف گزارند («حق» گزارندی و ادا کردنی است). ب مانده
۱۴۸۵. گزینه «ب». در «الف» کلمه «سعدی» مفعول است: سعدی را نمی‌توان با هیچ چیزی گشت.
۱۴۸۶. گزینه «ج». در این گزینه شاعر «نفس خرم باد صبا» را صدا می‌زند، پس مناداست.
- بررسی سایر گزینه‌ها: الف «ای» در این بیت بیانگر شگفتی و تعجب زیاد است و نشانه ندا نیست. ب «ای» وقتی پشت کلماتی همچون «بسا» و «بس» می‌آید بیانگر زیادی و فراوانی است.
۱۴۸۷. فاصله: مفعول (چه چیزی را گرفته؟ فاصله را) / منادا
۱۴۸۸. الف درست («تلخ بودن دیدار و تلخ بودن سرانجام کار» هر دو حس آمیزی دارد). ب نادرست
۱۴۸۹. الف تشبیه («عقاب جنگ» اضافه تشبیهی است) ب مراعات نظیر (عهد، پیمان و سوگند، مراعات نظیر دارند).
۱۴۹۰. مشبه: [ما] / مشبه‌به: یوسف / وجه شبه: در چاه و زندان بودن / ادات تشبیه: همچو
۱۴۹۱. ترجیح یقین قطعی بر شک و گمان
۱۴۹۲. گزینه «ب». مفهوم این گزینه «حاضر بودن خدا در همه‌جا» است. اما مفهوم عبارت صورت سؤال و ابیات «الف» و «ج» غنیمت شمردن فرصت و قدر اکنون را دانستن است.

پاسخ آزمون شماره ۱ نوبت اول / تألیفی

۱. گزینه «د». حازم به معنی محتاط است.
۲. الف چاروادار، کرایه‌دهنده اسب و الاغ و مانند آن‌ها ب بسیار مشتاق، آزمند
۳. گزینه «ب».
۴. الف سبا ← صبا ب فراق ← فراغ ج ترب ← طرب
۵. الف قربات ب صواب
۶. گزینه «ب». امارت ← عمارت
۷. واژه «آشنا» به دو صورت تلفظ می‌شود: آشنا / آشنا
۸. الف مفعول (خدا، او را از بلا ننگه دارد). ب متمم (به او گفتیم...).
۹. الف معنایی («ناصر» مناداست و هر جا منادا باشد یک فعل به قرینه معنایی حذف است). ب لفظی (هر چه در سوی تو حسینی شد دیگر سوی یزیدی [شد]).
۱۰. غبطه = اسم / بزرگ = صفت / زندگانی = اسم
۱۱. یکی چشمه، غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا از سنگی جدا شد.
۱۲. گزینه «ج». فعل «کشتن» در صورت سؤال و گزینه‌های «الف» و «ب» به معنی «خاموش کردن» است اما در «ج» به معنی «به قتل رساندن» است.
۱۳. در این عبارت «شدیم» به معنی «رفتیم» به کار رفته، این واژه امروزه در معنی فعل اسنادی و معادل «است» به کار می‌رود.
۱۴. الف پلاس پارمای در پشت بسته [بودیم] از سرما. ب خورجینگ
۱۵. به ترتیب: عطف - ربط
۱۶. الف هرگز: قید - جانوری: مفعول ب متمم (ما را: به ما) ج مسند